

حرکت تنظیم زراعتی در وادی هریرود و دریای کابل*

افغانستان قدیم در شرق و غرب دو ساحه وسیع زراعتی داشت، که بشمول ساحات دیگر شمالی و جنوبی و مرکزی بنیه کشاورزی این مملکت را تشکیل میداد و هنگامیکه در تاریخ زراعت و آبیاری افغانستان مطالعه و کنجکاوی میشود این هر دو ساحه کشاورزی اهمیت بسزائی دارد.

وادیهای پهناوری که از مجاری دریاها سیرآب میشد و اراضی زراعتی را دارا بوده اند از زمان قدیم در مراحل مختلف دوره‌های زندگانی انسانی یعنی کوچی گری و روستانشینی با کشاورزی و شهرنشینی و بنای بلاد و مهاجرت‌های خورد و بزرگ همواره اهمیت زیادی داشته و انسانهای در هر مرحله زندگی از تولیدات مراعی و مزارع آن استفاده میکرده اند.

تاجاییکه از مطالعه تاریخ بر می آید این هر دو وادی وسیع شرقی و غربی مملکت ما در دوره های قبل تاریخ و بعد از آنکه آریائیان شمالی آنرا بعد از مهاجرت آریاناویچه مسکن خود قرار دادند همواره مورد استفاده انسانی بوده، و در کتب قدیم ویدا و اوستا نامهای آنرا می

* مجله آریانا، سال بیست و ششم (۱۳۴۷ش) شماره ششم، ص ۱.

بینیم، و حوادث مهم تاریخی و پیدایش پهلوانان و پادشاهان باستانی را درین وادیها مشاهده میکنیم.

وادی دریای کابل پیدایشگاه مدنیتهای کهن سال گندهارا و هنرگریکو بودیک و جولانگاه کوشانیان و کابلشاهان بوده و وادی هریرود نیز تاکنون یک ساحة بسیار مهم مدنی و زراعتی شمرده میشود که در دوره اسلامی مدنیت و هنر تیموریان را پرورده است.

حرکت های مدنی و فرهنگی با پیشرفت سویه زندگانی انسانی و طی کردن دوره های مختلف نشو و ارتقاء تا حدی متوازی یکدیگر بوجود می آیند و ما می بینیم که حرکت تنظیم زراعتی در بین مردمان این وادی ها در یک زمان نزدیک باهم وقتی دیده میشود که هنر و اداره و دانش نیز پیشرفته است.

در قرن هفتم و هشتم هجری باوجود سبقت یغماگریهای چنگیزیان و کشتارهای متوالی در وادی هریرود و سایر نقاط خراسان روی داد، باز هم هرات مرکزیت سیاسی و مدنی خود را از دست نداد، و شاهان آل کرت که از مردمان وطن خواه این سرزمین بودند با سیاست ملایمت و مدارا توانستند هرات را بعد از دیدن بسا ویرانیها و قتل های عام باهمان مرکزیت سیاسی و ادبی و هنری خود زنده نگهدارند و تخریبات مدهش چنگیزیان را درین سرزمین جیره کنند.

در حقیقت خلاقیت و قریحه زاینده مردم خراسان و هرات بود که در عین جریان این یغماگریهای خرابکار، ابتکارهای سیاسی و اداری و مدنی را در دست داشتند، و شاهان خاندان کرت را که عناصر داخلی

مذهب و شایسته بی بودند یآوری کردند و وادی هرات را واپس آباد و معمور ساختند.

از کارهای بسیار مهم مدنی این عصر که بهمت شاهان دودمان کرت در هرات انجام یافته تنظیم امور زراعتی و تقسیم آب هریرود و تحدید اراضی کشاورزیست که آنرا در تاریخ آسیای میانه یک حرکت سالم برای تنظیم زراعت و حیات کشاورزان شمرده میتوانیم.

چنین بنظر می آید که با آغاز تهاجمات مغول نظام کهن کشاورزی ساحة هریرود که از مناطق معمور و پرنفوس خراسان بود از بین رفت، و مردمان آن قتل عام و یا فراری شدند، و شهرها و روستاها خالی ماند که سیفی هروی در تاریخ هرات و منهاج سراج جوزجانی در طبقات ناصری داستانهای این حوادث الیم را می آورند.

اما هنگامیکه هراتیان وطن خواه مردان دلیر و مدبر خاندان کرت را یآوری نموده و باز هرات را معمور ساختند، روستاهای وسیع هریرود مسکون گشت، و حتی بقول سیفی هروی چون چنگیزیان زنده سری را درین وادی باقی نمانده بودند، مردم هرات بعد از فراهمی مجدد آلات زراعتی و دراز دنبال (گاو) را از ولایات شرقی افغانستان خواستند.

معزالدین ملک حسین بن غیاث الدین محمد که از سنه ۷۳۰ تا ۷۷۱ همدت چهل سال از همین خاندان کرت حکمرانی داشت، پادشاه دانشمند و دانش دوست مردم پروری بود، که در عصر او دهقانان و کشاورزان ساحة هریرود این وادی پهناور را باز آبادان و سرسبز ساختند، و تشکیلات اجتماعی کشاورزی را بوجود آمد، و در سنه ۷۳۳ هـ بود که

این پادشاه به شیخ الاسلام نظام الدین عبدالرحیم خوافی یکی از دانشمندان و پیشوایان مردم هرات امر داد تا درباره تقسیم آب و امور زراعتی این وادی بطریق (مصالحه) که در تقنین اسلامی سوابقی داشت اقدام نماید، و چنین بنظر می آید که این ترتیب بر اساس نفوس و خاندانهای دهقانان و کشاورزان بنا یافته بود، و ملاکی های پندیده در آن دخلی نداشت، الازمینها و روستاها و آسیاهائی که قبلاً در عصر سلطان غیاث الدین غوری برای وقف مسجد جامع و مدرسه غیاثیه هرات و دیگر موسسات عامه خریداری شده و عواید زراعتی آن بمصارف منافع عامه میرسید.

در حدود ۹۲۱ هجری یکی از دانشمندان هرات قاسم بن یوسف ابونصر هروی کتابی بنام ارشاد الزراعه و رساله یی بنام "طریق قسمت آب از قلب" تالیف کرد که راجع به همین تنظیم و اصلاح زراعتی وادی هرات معلومات بسیار مفید و معتنمی دارد. فاضل هروی گوید:

"روزی جمعی از بزرگان حضرت ملک حسین جهت بی سویتی آب مواضع جوی نوخیابان به دادخواهی آمده بودند، که میان مزارعات قاعده مقرر نیست، و آب را هر کس میخواهد می برد. سالار نام یکی از امرای خود را نزد جناب شیخ الاسلام مولانا نظام الدین عبدالرحیم که بزرگ و مشارالیه و معتقد فیه و معتمد علیه زمان خود بود، و سخنان او نزد حکام و سلاطین کالنص القاطع فرستاد که اگر در میانه رعایای بلوکات مذکور قاعده و قانونی مقرر فرمایند که هر کس حقایبه خود به راستی برد و میانه ایشان سویت مرعی باشد".

بدینطور شیخ الاسلام موصوف دساتیر تقسیم آب و کشاورزی زمین را از روی عرق و رواج امور دهقانی فراهم آورده و آنرا بطور یک دستورنامه یا قانون زراعتی و آبیاری ترتیب داد که هر قلب بر (۱۸) خانه مشتمل بود، و سه مردجوی داشت، و جای قلب و نتره بستن هم معین بود و در بالا آب بر یک مردجوی حقایبه سه خانه و در میان آب شش خانه و در پایان آب هشت خانه مقرر بود، در حالیکه اندازه حقایبه یک خانه در قلب به طول و عرض بند سرانگشت ابهام (مساوی پنج دانگ کره ذرع) معین شد و قواعدی برای قلب و نتره و اندازه اراضی مزروع بحساب مردجوی و خانه ها در بالا جوی و میانه و پایان جوی مقرر گردید، و شرح آنرا خوشبختانه فاضل هروی در رساله خود نوشته است که در تاریخ زراعت ما سند سودمندی خواهد بود.

این بود حرکت تنظیم زراعتی که در امور دهقانی و آبیاری وادی هریرود روی داده بود و اکنون مابعد از همین عصر یک حرکت دیگر اجتماعی را در وادی دریای کابل و ماورای خیبر در شرق مملکت مطالعه میکنیم:

نیم قرن بعد از حرکت تنظیم زراعتی وادی هرات در حدود ۸۰۰هـ قبایل یوسفزئی بقیادت ملک احمد و پیشوائی شیخ ملی بن یوسف از وادیهای ارغستان قندهار کوچیده و براه کابل و نگرهار به وادی وسیع مجرای دریای کابل در ماورای خیبر گذشتند. و این سرزمین را تا دریای سند و شمالاً تا سوات و باجور فتح کردند. این مردم از یک دوره زندگانی کوچی گری به حیات کشاورزی آغاز نمودند، و در پشاور و اشغر و

سوابی تا سوات زمین های زراعتی را که از دریای کابل و سوات سیرآب می شدند بدست آوردند.

ایشان مشکلی را در تقسیم زمین و آب و مساکن حس کردند، و بالاخره بهدایت شیخ ملی یوسفزئی که پیشوا و مغز فکور این مردم بود این معضله زندگانی را بصورتی حل کردند که زمین و آب و مساکن و روستاها را بامساوات و برابری مطابق عدد نفوس فامیل ها تقسیم نمودند، ولی این تقسیم برای ده سال معتبر بود، و بعد از هر ده سال باز مطابق افزایش یا کاهش نفوس خانوادها تجدید میشد.

شیخ ملی قانون گذار فکور و مطاعی بود که کتابی را بنام (دفتر) بزبان پښتو در بیان همین ریفارم زراعتی و اجتماعی نوشت و در آن قواعد این تقسیمات اراضی و آب و مساکن روستاها را شرح داد. و همچنین دساتیری را برای تقسیم موقت مراتع وضع نمود. و از اراضی مزرعه آب جاری بهره هر شخص خانواده را (برخه) میگفتند و چندین برخ یعنی حصص افراد یک (دفتر) را برای یک خانواده تشکیل میداد و ازین دفترها یعنی حصص چند خانواده یک (تپه) یعنی روستا ساخته میشد، و چندین تپه روستایی یک قوم بود، و این حصص اراضی هم باصول قرعه کشی تعیین میشد، و مالکیت آن هم تا ده سال دوام داشت و بعد از آن حسب دستور کتاب دفتر شیخ ملی تقسیم آن بر اساس قرعه تجدید میشد.

در هر تپه زمین خاصی بنام (سیری) وجود داشت که حاصل آن به منافع عامه مانند مهمان خانه و مسجد و غیره صرف میشد، و حصه زمین

هر فرد را (بگری ونه) و بعد از تجدید تقسیم ده ساله (متی) میگفتند و در تقسیمات منازل هم عین همین ترتیب تساوی اجتماعی مرعی بود، هر تپه چندین چم (محلّه) داشت و هر چم دارای کندهای متعددی بود که هر کندر هم اطاق ها و صحن داشت در هر چم یک مسجد و یک حجره (مهمانخانه) و یک برج دفاعی مشترکی موجود بود، و یک کندر برای یک خانواده با برحه زمین ایشان مطابق عدد نفوس برای ده سال داده میشد، و تمام این سرزمین بین خیر و دریای سند شش تپه داشت که تاکنون هم این نامها باقیست: ۱/ تپه یوسفزئی، ۲/ تپه محمدزائی، ۳/ تپه گگیانی، ۴/ تپه داودزئی، ۵/ تپه خلیل، ۶/ تپه مهمند.

این دساتیر دفتر شیخ ملی تا آمدن انگلیس هم در کوهساران آن سرزمین معمول بود، ولی در نصف اول قرن ۱۹ چون انگلیسیان برین جا مستولی شدند این ترتیب عدم مالکیت اراضی را بکلی از بین برده و برای تولید فیودالی های مقامی، زمین ها را بایشان تملیک کردند که آنرا (بندوبست) گفته اند. چون بندوبست جدید انگلیسی با تملیک اراضی آغاز شد، مردم مغرض نسخه های پبنتوی کتاب دفتر شیخ ملی را که بنای آن بر دساتیر عنعنوی این قبایل در سرزمین قندهار بود از بین بردند. و تاکنون هم در کوهساران سوات و باجور و مهابن ختم دفتر شیخ ملی را مبداء دوره جدید استعمار انگلیس دانند و مردم گویند فلان واقعه چند سال بعد از دفتر شیخ ملی واقع شده است.

این بود تاریخچه مختصر وضع اصالت اجتماعی و ریفارم های
زراعتی که در یک دوره تاریخ در شرق و غرب کشور ما روی داده بود و
از نبوغ مردم و خلاقیت فکری ایشان حکایت میکند.